

اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابی بزرگ صدر اسلام – رمضان رضایی
علمی- ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۶۹-۱۸۲

اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابی بزرگ صدر اسلام

رمضان رضایی*

چکیده: اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابه بزرگ صدر اسلام از شخصیتهای کم ادعا و بزرگ صدر اسلام است. ایشان به عنوان بانویی که هم در مکه در شمار مسلمانان اولیه و هم در سفر به حبشه که به همراه همسر خود جعفر بن ابی طالب به حبشه منتقل می‌شود؛ برای همه کسانی که با او هستند و نقش اندکی داشته‌اند، الگو و اسوه دینی قرآنی و نبوی بوده است. وی چند خواهر داشت، از جمله: یکی سلمی همسر حمزه سیدالشهداء، دوم لباهه همسر عباس عموی پیامبر، سوم میمونه همسر پیامبر اسلام. اسماء بنت عمیس در مکه و قبل از استقرار رسول خدا در خانه زید بن ارقم ایمان آورد و با پیامبر اسلام بیعت کرد. هیچ گاه چهره نامیدی نمی‌گرفت و هیچگاه اعتراض نداشت و در وضع دشوار، بیش از همه تلاش می‌کرد. در این نوشتر شمه‌ای از این رشادتها در کنار پیامبر اسلام ﷺ و امام علیؑ و فاطمه سلام الله علیها و تربیت فرزندانی وارسته‌ای که تا قرنها در ترویج قرآن و سیره نبوی اثرگذار بودند، بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: اسماء بنت عمیس؛ مهاجرین؛ زنان؛ صدر اسلام؛ صحابه؛ عون؛ جعفر، عبدالله.

۱. درآمد

کمبود منابع اصلی در حیطه شرح حال شخصیت‌های صدر به ویژه بزرگان تشیع، نویسنده را بر آن داشت که پرده از سرگذشت غبارآلود تاریخ یکی از شخصیت‌های مهم بردارد. همچنین کمبود منابع در خصوص تاریخ اجتماعی و معیشتی صدر اسلام و یا تاریخ تمدن صدر اسلامی به سختی قابل روئیت است که باید با تلاش جدی جبران شود.

اسماء بنت عمیس (درگذشت پس از ۴۰ ق/ ۶۶۰ م) شخصیتی است که با ویژگیهای خاص خود در فضای آن روز مسیر زندگی خود را با سنت نبوی تطبیق داد و دین خود و اهالی خود را ثابت کرد. مسئله اصلی این پژوهش سبک زندگی اسماء و مسئله فرعی سبک زندگی با فرزندان و همسرانش و حضرت امیر علی^{علیه السلام} است.

وی در ابتدا همسر جعفر بن ابی طالب بود و همراه او به حبسه مهاجرت کرد. او همسر خود را در سرپرستی مهاجران به آفریقا یاری نمود. اسماء پس از شهادت جعفر در جنگ موته، با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر متولد شد. این بانوی وارسته، از قبیله قحطانی پدرش عمیس بن معبد بود. در دوره خلافت ابوبکر، ارتباط نزدیک خود را با خانواده حضرت علی^{علیه السلام}، به ویژه حضرت فاطمه سلام الله علیها، مستحکم نمود. وی، پس از وفات ابوبکر، با حضرت علی^{علیه السلام} ازدواج نمود که یحیی را به دنیا آورد و مدتی پس از شهادت او نیز در قید حیات بود. در اعیان الشیعه آمده است فاطمه زهرا سلام الله علیها وصیت کرد حضرت امیر و اسماء او را غسل دهند.

۲. نسب و فرزندان اسماء

اسماء بنت عمیس بن معبد بن تیم بن حارث بن کعب بن مالک بن قحافه بن عامر بن ریبعه

بن عامر بن معاویة بن زید (ابوالفرج به جای زید، سعد نوشته است) بن مالک بن نسر (این شخص را بشر، بشیر و نسور ثبت کردہ‌اند) بن وهب الله بن شهران بن عفرس (عفرس را عبس نیز نوشته‌اند: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۳۲) بن خلف بن أفلل یا أقبل (ختعم) است. (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۸) ابن عبدالبر، اسدالغایة فی معرفة الصحابة، ج ۷، ص ۱۲؛ محمد سعید مبیض، موسوعه حیة الصحایرات ج ۲، ص ۶۵۸) ابن منده نسب او را با اندکی اختلاف ثبت کرده است. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۲) اسماء هشت یا نه خواهر از طرف مادر و شش خواهر از طرف پدر و مادر داشت (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۲، مبیض، ص ۳۸) که چهار تن از آنان در تاریخ صدر اسلام نقش بر جسته و قابل تأملی داشتند. رسول خدا^{صلی الله علیه و سلّم} در باره آنها می‌فرماید: اسماء بنت عمیس، سلمی، ام الفضل و میمونه، چهار خواهر مؤمنی هستند که به سبب ایمانشان دوست داشته می‌شوند (بلادری، ج ۲، ص ۴۴) نیز رسول خدا^{صلی الله علیه و سلّم} فرمود: خداوند خواهانی از اهل بهشت را رحمت کند؛ اسماء، سلمی، ام الفضل لبابة و ام المؤمنین میمونه را رحمت کند (صدق، الخصال، ص ۶۳۳؛ مامقانی، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۲، ص ۶۹) رسول خدا^{صلی الله علیه و سلّم} فرمود: هند - جرشیه - مادر اسماء گرامی ترین زنان، از جهت دامادها است. (مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۶۵۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۵؛ ابن اثیر، اسدالغایة، ج ۷، ص ۱۳)

در برخی منابع آمده است که اسماء، نخست با حمزه بن عبدالمطلب ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام امة الله یا امامۃ بود و پس از او با شداد بن الهاد وصلت نمود که ثمره آن، دو پسر به نام‌های عبدالله و عبد الرحمن بود؛ (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۲؛ ابن اثیر، اسدالغایه، ج ۷، ص ۱۳؛ ابن حجرالعسقلانی، الاصایة فی تمییز الصحابة، ج ۴، ص ۲۳۲؛ مامقانی، ج ۳، ص ۶۹) به نظر می‌رسد اسماء نخستین بار به همسری جعفر بن ابی طالب درآمد. اسماء مدتی پس از علنی نبوت پیامبر در مکه و قبل از استقرار رسول خدا^{صلی الله علیه و سلّم}

در خانه ارقم ایمان آورد و با پیامبر اسلام بیعت کرد. (ابن سعد، ج ۸ ص ۲۸۰؛ ابن اثیر، اسدالغایب، ج ۷، ص ۱۳؛ ابن حجر العسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۵)؛ وی با افزایش آزار و اذیت مشرکان قریش به همراه همسر خود، جعفر بن ابی طالب، به حبسه مهاجرت کرد. در حبسه، اسماء، یاور همسر خود جعفر بن ابی طالب در سرپرستی مهاجران بود. آنها مورد احترام نجاشی، حاکم حبسه، بودند؛ وی همانند شیر زن از مأموریت حبسه بیرون آمد، به طوری که چند روز پس از ولادت عبدالله بن جعفر، نجاشی، پسر نو رسیده خود را به تأسی از جعفر بن ابی طالب، عبدالله نام نهاد و اسماء به آن طفل همراه کودک خود عبدالله شیرداد که همین امر، منزلت آنان را در نزد نجاشی بالا برد.

(الزبیری، نسب قریش)

۳. روایان اسماء

شماری از شخصیت‌ها مانند: جعفر همسر او، عبدالله و محمد فرزندان او، سعید بن مسیب، عبیدالله بن رفاعه، ابویرده ابی موسی، فاطمه دختر علی عاشیل، عبدالله بن عباس، و افراد دیگری احادیثی را از زبان او بازگو کرده‌اند. دانشمندانی مانند: شیخ صدق و فیض کاشانی (از شیعه) و ابن عبدالبر و ابن حجر عسقلانی و دیگران (از اهل تسنن) به مقام ارزشمند روایت حدیث اسماء اعتراف نموده‌اند. اینک، از باب نمونه یک حدیث را که از زبان اسماء روایت شده، از نظر می‌گذرانیم: اسماء روایت می‌کند: در شبی که عایشه خود را آماده می‌کرد که نزد پیامبر برود، من با تعدادی از بانوان همراه عایشه بودیم، وقتی به حضور آن حضرت رسیدیم، به جز ظرف شیری چیز دیگری در آنجا وجود نداشت، پیامبر از آن شیر نوشید و سپس ظرف شیر را به عایشه داد تا وی هم بنوشد، اما عایشه خجالت کشید و ظرف شیر را نمی‌گرفت! گفتم: دست پیغمبر ﷺ را کوتاه نکن، آن گاه که عایشه شیر را نوشید، پیغمبر ﷺ فرمود: شیر را به دوستانت نیز بده، اما بانوان همراه

که گویا خجالت می‌کشیدند، گفتند: ما شیر میل نداریم، ولی پیامبر ﷺ فرمود: گرسنگی را با دروغ جمع و مخلوط نکنید! اسماء می‌گوید: من گفتم: ای رسول خد! آیا اگر کسی از ما چیزی را میل داشته باشد، ولی بگویید: میل ندارم این دروغ حساب می‌شود؟ آن حضرت فرمود: دروغ هرچند کوچک باشد، دروغ است و در پرونده عمل انسان نوشته می‌شود.

۴. عون بن جعفر و سبک زندگی وی به عنوان داماد نمونه

عون فرزند جعفر بن ابی طالب و اسماء در حبسه متولد شد؛ در سال هفتم هجری، پس از جنگ خیبر، با والدین خود به مدینه آمد و یک سال بعد، پدرش جعفر در جنگ موته به شهادت رسید. نقل شده است که پیامبر اسلام ﷺ، پس از آگاهی از شهادت جعفر، به خانه او رفت، فرزندانش را بویید، بوسه بر رخسار آنان زد و گریست. نیز پس از اعلام خبر شهادت جعفر، آنان را نوازش کرد و درباره عون گفت: عون در خلقت و خلق و خوی شبیه من است. (ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۴، ص ۲۰۳؛ ابن حجر العسقلانی، ج ۳، ص ۴۴؛ مامقانی، ج ۲، ص ۳۵۵؛ عون همانند سایر برادرانش، ص ۴، ص ۳۵۵؛ عون همانند سایر برادرانش، ج ۳، ص ۱۹۰؛ ابن اثیر، ج ۷، ص ۳۷۸؛ ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۱۶۲) در کتاب‌های رجال، عون در زمرة یاران حضرت علی علیه السلام بود. انتخاب او به دامادی خود نمونه‌ای از علاقه فراوان وی به فرزندان جعفر بود. آن حضرت، عون را به همسری دختر خود، ام کلثوم، برگزید. (بلاذری، ج ۲، ص ۵۰؛ ابن اثیر، ج ۷، ص ۱۳۸۱) عون در سال ۶۱ هجری همراه رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۱۶۹) برخی نیز گمان کرده‌اند که وی در سال ۶۱ هجری همراه پسر عمومی خود، حسین بن علی علیه السلام، در کربلا به شهادت رسید. (مسعودی، ج ۱، ص ۶۵؛ العمري، ص ۲۹۶)

۵. زندگی مشترک اسماء با ابوبکر خلیفه اول

اسماء پس از شهادت جعفر بن ابی طالب با ابوبکر وصلت کرد (ابن حجر العسقلانی، ج^۴، ص ۲۲۵) گزارش شده است که ابوبکر در سال هشتم، در زمان وقوع غزوه حنین، اسماء را به ازدواج خود درآورد (ابن حجر العسقلانی، همان) خانه ابوبکر در بیرون مدینه در سنح، محل سکونت همسر اولش، حبیبه بنت خارجه، بود. او خانه‌ای نیز در مدینه داشت که اسماء در آن ساکن شد و ابوبکر چون به خلافت رسید در مدینه منزل گزید. آن چه در این برھه از تاریخ اسماء اهمیت دارد، ارتباط او با خانواده حضرت علی علیه السلام است. با توجه به اختلافی که در سقیفه در امر جانشینی پیامبر اسلام علیه السلام پیش آمد ابوبکر، و عمر و اطرافیان آنها در یک طرف، و حضرت علی علیه السلام و بنی هاشم، در طرف دیگر قرار گرفتند. اسماء نیز از یک سو همسر ابوبکر بود و از سوی دیگر، از ناحیه همسر سابقش، جعفر بن ابی طالب، با علی علیه السلام خویشاوند بود و نیز علاقه فراوانی به خانواده او داشت. وی در بحرانی ترین شرایط، رابطه خود را با خانواده حضرت علی علیه السلام به ویژه حضرت فاطمه سلام الله علیها حفظ کرد. در دوره بیماری آن بانوی بزرگ، اسماء، رازدار او بود و نیازهای او را برآورده می‌کرد. هنگامی که بیماری ایشان شدت یافت، به اسماء فرمود: من خوش ندارم آن چه هنگام وفات زنان می‌کنند [یعنی در حالی که] او پوششی جز تکه پارچه‌ای ندارد، بر سریری نهند و مردم در این حال او را نظاره کنند. اسماء گفت: اگر بخواهی چیزی که در حبسه دیدم، برای تو بسازم. آنگاه اسماء کسی را فرستاد که چند شاخه خرما آورد و آنها را بر روی سریر نهاد و پارچه‌ای بر روی آن انداخت و تابوتی درست کرد.

فاطمه سلام الله علیها چون آن را دید، تبسمی کرد؛ در حالی که از وفات پدرش کسی خنده بر لبان او ندیده بود. به روایتی گفت: نیکو وسیله‌ای است که با آن

مرد و زن از هم شناخته می‌شوند. نقل شده که این نخستین تابوتی بود که در اسلام درست شد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰) این روایت با اختلاف اندکی در اکثر منابع ذکر شده است.

هم چنین از اسماء روایت کرداند که فاطمه دختر پیامبر اسلام ﷺ به من وصیت کرد و گفت: تو و علی مرا غسل دهید و به کسی اجازه نده بر من وارد شود. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ نیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۹) از این رو هنگامی که حضرت فاطمه سلام الله علیها وفات کرد، عایشه خواست بر او وارد شود. اما اسماء اجازه ورود به او نداد. عایشه شکایت به ابوبکر برد و گفت: این خشумیه مانع ما و دختر رسول خدا ﷺ شده و برای او چیزی مثل هودج عروس ساخته است. ابوبکر در خانه آمد و گفت: این چه کاری است که می‌کنی، زنان پیامبر ﷺ را مانع از ورود آنان بر دخترش می‌شوی و برای او چیزی مثل هودج عروس می‌سازی؟ اسماء گفت: خود فاطمه مرا چنین گفته است که مانع از ورود زنان پیامبر ﷺ و غیر آنان بر او شوم و این را که می‌بینی، وقتی زنده بود مرا به ساختن آن دستور داد. ابوبکر گفت: همان کن که او گفته است. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۳؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۷، اربیل، ۲۲، ص ۶۷) گزارش‌های مذکور، اعتبار و بر جستگی شخصیت اسماء را نشان می‌دهد.

۶. محمد بن ابی بکر

ابوبکر در سال سیزده هجری در ۶۳ سالگی در مدینه وفات کرد (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸) با وصیت خود او، اسماء وی را غسل داد و عمر بن خطاب بر وی نماز گزارد. (همان؛ ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۴؛ ابن عبدربه، عقد الفرید، ج ۵، ص ۱۷) حاصل ازدواج ابوبکر و اسماء، محمد بن ابی بکر بود. او در سال دهم هجری در حجۃالوداع متولد شد (ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۲، گنجی، ص ۳۷۳) و در خانه حضرت علی ؑ بزرگ شد و به منزله فرزندی برای او بود؛ همان گونه که محمد نیز او را به مثابه پدر خود می‌شناخت و برای هیچ

کس فضیلتی چون او قائل نبود . برای همین، علی علیه السلام می‌فرمود: محمد پسر من از صلب ابوبکر است. (ابن ابی‌الحیدد، ج ۶، ص ۵۳) محمد بن ابی‌بکر در جنگ‌های حضرت علی علیه السلام بر ضد مخالفانش، او را همراهی کرد؛ به ویژه در جنگ جمل که امیر مؤمنان علیه السلام را بر خواهرش عایشه ترجیح داد. پس از آن نیز با عزل قیس بن سعد از حکومت مصر، با پیشنهاد برادر خود، عبدالله بن جعفر، به حکومت مصر انتخاب شد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۹۹۹، مسعودی، ۷۶۸) محمد بن ابی‌بکر در مصر از سپاه عمرو بن عاص شکست خورد. دشمنان با نهایت قساوت او را به شهادت رساندند و جسدش را در پوست الاغ نهاده و آتش زدند (الثقفی الکوفی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن ابی‌الحیدد، ج ۵، ص ۶۸؛ ابن حجر العسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۶) خبر آن واقعه، برای مادرش اسماء بسیار دردناک بود. (همان) علی علیه السلام نیز درباره او فرمود: او برای من فرزندی بود و برای فرزندانم برادری. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰) روزی عمر به اسماء گفت: ما از تو بهتر هستیم چون که ما در هجرت شرکت داشتیم و شما نبودید. اسماء این حرف را به رسول خدا گفت. پیامبر فرمود: چنین نیست، بلکه شما از نظر هجرت هم بر آنان مقدم هستید، زیرا شما دو هجرت کرده‌اید، به حبسه و مدینه.

۷. ازدواج اسماء با حضرت علی علیه السلام

پس از وفات ابوبکر، حضرت علی علیه السلام اسماء را به ازدواج خود درآورد. (بلاذری، ج ۱، ص ۴۴۷؛ ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۵) و سرپرستی او و فرزندانش را مستقیماً به عهده گرفت و چنان که قبلًا ذکر شد، عبدالله، محمد و عون، فرزندان جعفر بن ابی طالب، و محمد، فرزند ابوبکر، اشخاص بر جسته‌ای بودند که در سایه سار حضرت علی علیه السلام تربیت شدند و در همه حال به او وفادار ماندند. علی علیه السلام دو همسر قبلی اسماء، قبل از او وفات یافت؛ گرچه بر طبق برخی نقل‌ها اسماء هم در حدود سال چهلم هجری، یعنی همان سال شهادت امام علی علیه السلام

وفات یافت. (امینی، ج ۲، ص ۶۵۹) حاصل ازدواج آنها یحیی بن علی بود. (ابن قتیبه، ص ۲۱۰؛ مسعودی، ج ۲، ص ۶۸؛ اصفهانی، ص ۳۵؛ شیخ مفید، الاختصاص ج ۲، ص ۱۲۹) برخی دیگر به جز یحیی، پسری به نام عون را نیز در شمار فرزندان آنها ذکر کرده‌اند. (ابن سعد، ج ۳، ص ۲۰؛ بلاذری، ج ۱، ص ۴۴۷؛ ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۲۴۳؛ اریلی، ج ۱، ص ۵۹۱) بعضی نیز فرزندان آنها را عثمان اصغر و یحیی نوشتند. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۹۹) گروهی محمد اصغر و یحیی ثبت کردند. (طبری، ج ۳، ص ۱۶۲؛ ابن اثیر، الكامل، همان) قول اخیر را طبری از هشام کلبی نقل کرده است و منابع دیگر اسمی از محمد اصغر و هم چنین عثمان اصغر در شمار فرزندان آنان نیاورده‌اند. به نظر می‌رسد عون مذکور نیز با عون پسر اسماء از جعفرین ابی طالب و یا عون پسر عبدالله بن جعفر در آمیخته شده و اشتباهًا به نام فرزند حضرت علی عائیه ذکر شده است. از این رو، تنها کسی که منابع در خصوص او هم‌دانستند، یحیی بن علی است. یحیی در زمان پدرش حضرت علی عائیه وفات یافت و از او نسلی باقی نماند. (الزبیری، ص ۴۴)

۸. اسماء به عنوان مبلغ و سفير رسالت رسول الله ﷺ

زمانی که دعوت پنهانی پیامبر اکرم ﷺ به اسلام ادامه داشت و هسته نخستین امت اسلامی به آرامی در حال شکل گرفتن بود، اسماء به همراه همسرش جعفر بن ابی طالب به محضر پیامبر ﷺ شافت و به یگانگی معبد رسالت رسول ﷺ شهادت داد و در روزگاری که یاران دین خدا بسیار اندک بودند، نام خود را جزو پیشگامان اسلام ثبت کرد. او در بسیاری از حوادث صدر اسلام شرکت کرد و جزء مسلمانان نخستین بود که با پیامبر اسلام ﷺ بیعت کرد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابن اثیر، اسدالغایة، ج ۷، ص ۱۳) وی در حبسه یاور همسرش جعفر بن ابی طالب در سرپرستی مهاجران بود و گویا کوشش‌هایی نیز برای تبلیغ اسلام در آن سرزمین می‌کرد؛ به طوری که گفته شده است که هر کسی در حبسه مسلمان می‌شد، روی به اسماء

بنت عمیس می‌آورد و سپس خبر اسلام او پخش می‌شد. (الزیری، ص ۸۱-۹۰؛ ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابن اثیر، اسدالغایة، ج ۷، ص ۱۳) اسماء و همسرش به اندازه‌ای در حبشه شناخته شده بودند که چون فرزندی برای نجاشی متولد شد، اسماء بنت عمیس او را در کنار کودک خود شیر داد (ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۷۴؛ گنجی، ص ۳۰۶) اسماء احادیثی درباره نشانه‌های انسان، حج نیابتی و نیز احادیثی درباره امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه سلام الله علیہما، از جمله: حدیث منزلت، حدیث رdalشمس، حدیثی درباره سخاوت امیرالمؤمنین علیہما و وصف فاطمه سلام الله علیہما به حوریه انسیه نقل کرده است. اسماء در مدینه نیز از افراد شناخته شده بود. مکالمه منسوب به او در شب زفاف فاطمه دختر پیامبر ﷺ (ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۷۴؛ گنجی، ص ۳۰۶) و مفاخره او با عمر بن خطاب در بازگشت از حبشه، درباره مهاجرت، (ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۱؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۷۴؛ ابن جوزی، همان) نشانه شخصیت بر جسته او است. مؤلفان شیعه و سنی، وی را از صحابه پیامبر ﷺ و راوی حدیث او ذکر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که افراد معروفی، چون عمر بن خطاب؛ عبدالله بن عباس؛ ابوموسی اشعری؛ عبدالله بن جعفر؛ قاسم بن محمد؛ پسر خواهرش، عبدالله بن شداد؛ عروه بن زبیر و ابن مصیب، از او حدیث نقل کرده‌اند (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن اثیر، اسد الغایة، ج ۷، ص ۱۳) نزدیکی اسماء به خانواده پیامبر ﷺ نیز باعث بالا رفتن اعتبار اجتماعی او شده بود. هنگامی که ام کلثوم، دختر رسول خدا ﷺ، وفات یافت، اسماء او را غسل داد. (ابن اثیر، الكامل، ج ۲، ص ۲۹۱) هم‌چنین از آن جا که در وفات پیامبر اسلام ﷺ اختلاف پیش آمد، بعضی گفتند آن حضرت وفات کرده است و بعضی منکر وفات او شدند. اسماء در حالی که دست‌های خود را بر دو گتف خود نهاده بود، گفت: رسول خدا ﷺ وفات کرد و خاتم را از بین دو گتف خارج کرد. (ابن سعد، ج ۲، ص ۲۷۲) ارتباط او با خانواده حضرت علی علیه السلام، به ویژه فاطمه بنت نبی اکرم ﷺ،

در حالی که او همسر ابوبکر بود، نمود دیگری از مناسبات اجتماعی او محسوب می‌شود. این واقعیتی تاریخی است که فاطمه زهرا سلام الله علیها در قبال ابوبکر و اطرافیانش، به سبب عملکرد آنان برای به دست گرفتن قدرت سیاسی، بدون توجه به اهل بیت پیامبر ﷺ و حتی بدون مشورت با آنان رفتار بسیار صریح و قاطعی در پیش گرفت، تا آن جا که در وصیت خود، به کسی اجازه حضور در مراسم غسل و تشییع جنازه‌اش را نداد. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ نیشابوری، ج ۳۶۷؛ این اثیر، اسدالغابه، ج ۷، ص ۲۲۲، اربلی، ج ۲، ص ۶۷)

۹. اسماء در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها

با توجه به موارد فوق، اهمیت رفت و آمد اسماء به خانه حضرت علی و وصیت فاطمه زهرا سلام الله علیهما روشن می‌گردد و میزان اعتبار او در نزد خاندان پیامبر و اعتماد ایشان به او نمایان می‌شود. اسماء نیز با وفاداری و جسارت خاص خود، خواسته‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها را برآورده ساخت و حتی از ورود عایشه، دختر خلیفه، به خانه‌اش جلوگیری کرد. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ این اثیر، اسدالغابه، ج ۷، ص ۲۲) چنین گزارش‌هایی جایگاه اجتماعی خاص زنان را در صدر اسلام نشان می‌دهد.

اسماء جریان وفات فاطمه زهرا سلام الله علیها را چنین تعریف می‌کند: هنگامی که رحلت حضرت فاطمه سلام الله علیها نزدیک شد به من فرمود: جبرئیل در موقع رحلت پدر بزرگوارم مقداری کافور برایش آورد؛ پدرم آن را سه قسمت کرد؛ یک قسمت را برای خودش برداشت، یک قسمت را به علی علیه السلام اختصاص داد و قسمت سوم را به من داد. من قسمت خود را در کناری نهاده و اینک بدان نیاز دارم، آن را برایم حاضر کن. اسماء حسب الامر فاطمه زهرا سلام الله علیها، کافور را حاضر کرد. آنگاه حضرت خودش را شست و شو داد و وضو گرفت و

لباس‌های نماز را پوشیده و بوی خوش استعمال کرد و رو به قبله در بستر ش خواهید و به اسماء فرمود: من استراحت می‌کنم تو ساعتی صبر کن سپس مرا صدا کن، اگر جوابت را نشنیدی بدان که من از دنیا رفته‌ام؛ آنگاه علی‌علیّ را زود از رحلت من خبر کن. راوی گوید: اسماء لحظه‌ای حضرت فاطمه سلام الله علیها را به حال خویش واگذشت. سپس آن حضرت را صدا کرد، ولی حضرتش جوابی نداد. چون جامه را از روی صورت حضرت برداشت، صدا زد: «ای دختر حضرت محمد مصطفی» جوابی نشنید. مشاهده کرد که از دنیا مفارقت کرده است. خود را به روی حضرت انداخت.

منابع

قرآن

نهج البلاغة

ابن ابی الحیدد، ابوحامد بن هبة الله بن محمد؛ شرح نهج البلاغه؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربي، ۱۳۸۵ ق.

جلوه تاریخ درشرح نهج البلاغه؛ ترجمة محمود مهدوی دامغانی؛ چاپ اول، تهران، نشرنی، ۱۳۶۸ ش. ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین علی بن محمد، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، به کوشش علی محمد معوض و معاد احمد عبدالموجود، چاپ اول، بیروت، دارالكتب العلمیه ۱۴۱۵ ق.

الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر و داربیروت، ۱۳۸۵ ق.

ابن اعثم کوفی، محمدبن علی، الفتوح، به کوشش سهیل زکار، چاپ اول، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.

الفتوح؛ ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به کوشش غلامرضا طباطبائی، چاپ اول، بی‌جا، شرکت افست، ۱۳۷۲.

ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن الحسین شیخ صدق، الخصال، به کوشش علی اکبرغفاری، قم، جامعه مدرسین فی المجزة العلمیه، ۱۴۰۳ ق.

عيون اخبارالرضا، چاپ اول، تهران، نشرصدق ۱۳۷۳.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، صفة الصفوہ، به کوشش ابراهیم رمضان وسعید اللحام، چاپ اول، بیروت،

دار الكتب العلمية، ١٤٠٩ ق.

ابن حجر العسقلاني، احمد بن على بن محمد، الاصابة في تميز الصحابة، بيروت، دار الكتب العربية، بي.تا.

ابن سعد، محمد بن منيع البصري، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، بي.تا.

ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل أبي طالب، بمثى، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ ش.

ابن عبدالبر، ابو عمري يوسف بن عبدالله بن محمد، الاستيعاب في اسماء الاصحاب، بيروت، دار الكتب العربية، بي.تا.

ابن عبدربه، محمد بن محمد، عقد الفريد، به کوشش عبدالمجيد الترجيني، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٤ ق.

ابن عنبه، جمال الدين احمد بن على الحسيني، عمدة الطالب في انساب آل أبي طالب، بيروت، دار المكتبة الحية، بي.تا.

ابن فندق، ابوالحسن على بن ابي القاسم بن زيد البهقهى، لباب الانساب، به کوشش سيد مهدي رجائي، چاپ اول، قم، کتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٩ ق.

ابن قتيبة، ابو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، چاپ دوم، قاهره، دار المعارف.

ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمة ابوالقاسم امامی، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۹۶ ش.

ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش مصطفی السقا و دیگران. بيروت، دار القلم، بي.تا.
اصفهانی، ابوالفرح على بن حسين، مقاتل الطالبين، به کوشش سید احمد صفر، چاپ دوم، بيروت،
موسسه الأعلمی للطبعوعات، ١٤٠٨ ق.

اصفهانی، ابو نعیم، حلیة الاولیاء، بيروت، دار الكتب العلمية، بي.تا.

اربلي، على بن عيسى بن ابي النفع، كشف الغمة، به کوشش سید ابراهيم ميانجي، چاپ دوم، نشر ادب
الحوزه و کتابفروشی اسلامیه ١٣٦٤.

امینی، محمد هادی، اصحاب الامام امیر المؤمنین علیهم السلام، چاپ اول، بيروت، دار الغدیر للطبعوعات و
دار الكتب الاسلامی، ١٤١٢ ق.

البخاری، ابو عبدالله اسماعیل بن ابراهیم الجعنى، التاریخ الكبير، بيروت، دار الكتب العلمية، بي.تا.

بلادزی، احمد بن يحيی، انساب الاشراف، به کوشش محمد حمید الله مصر، دار المعارف، بي.تا.

النقوی الكوفی، ابو سحاق ابراهیم بن محمد، الغارات؛ به کوشش و تعلیقات سید جلال الدین حسینی
ارموی، انتشارات انجمان آثار ملی، بي.تا.

خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنات في احوال العلماء و السادات، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی،
کتابفروشی اسلامیه، ١٣٥٦.

خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، قم، منشورات مدینه العلم آیت الله العظمی خوبی، افست، بیروت، دارالزهراء.

ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیراعلام النباء، تحقیق زیرنظر شعیب الأرنووط، چاپ هفتم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۰ ق.

الزبیری، ابوعبدالله المصعب بن عبدالله، نسب قریش، بی جا، دارالمعارف للطباعة والنشر، بی تا.

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الام و الملک)، چاپ سوم بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

العمری، نجم الدین ابی الحسن علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، به کوشش احمد مهدوی دامغانی، چاپ اول، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.

فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، الشجرة المباركة، به کوشش سید مهدی رجائی، چاپ اول، قم، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.

گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفاية الطالب، به کوشش محمد هادی الامینی، چاپ سوم، تهران، دارالحیاء التراث اهل بیت علیہ السلام، ۱۳۶۲.

مامقانی، شیخ عبدالله، تدقیق المقال فی احوال الرجال، نجف، المطبعة المرضویة، ۱۳۵۰ ق.

میض، محمد سعید، موسوعة حیة الصحایات، سوریه، مکتبة الغزالی، بی تا.

مدرس تبریزی، محمدعلی، رحیانة الادب، تبریز، چاپخانه شفق، بی تا.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.

مفید، محمدبن محمدبن النعمان، الاختصاص، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشرالاسلامی، بی تا.

نسیابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبد القادر، چاپ اول، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

یاقوت حموی، ابوعبدالله بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، دار بیروت، ۱۳۷۶.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳۴۳ ش.